

عنوان مقاله:

رابطه هوش فرهنگی و تفکر انتقادی با یادگیری خودراهبر دانشجویان

محل انتشار:

مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره 14، شماره 28 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

بهنوش شهرکی نیا - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان

عبدالوهاب پورقاز - معاونت آموزشی دانشکده علوم تربیتی

حسین جناآبادی - رئیس دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

خلاصه مقاله:

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه هوش فرهنگی و تفکر انتقادی با یادگیری خود راهبر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می باشد که ۲۳۴ نفر از دانشجویان بر اساس جدول مورگان به صورت طبقه ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسش نامه هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۴)، تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳)، یادگیری خود راهبر فیشر، کینگ و تاگو (۲۰۰۱) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون،[†] تک نمونه استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد میانگین هوش فرهنگی، تفکر انتقادی و یادگیری خود راهبر در دانشجویان بالاتر از حد متوسط بود. نتایج ضریب همبستگی پیرسان نشان داد بین هوش فرهنگی و یادگیری خود راهبر و همچنین تفکر انتقادی با یادگیری خود راهبر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p > 0/0$). نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد از بین مولفه های هوش فرهنگی، انگیزش و فراشناخت و از بین مولفه های تفکر انتقادی، تعهد و بالیدگی قادر به پیش بینی یادگیری خود راهبر می باشد. ($p > 0/0$). در مجموع به نظر می رسد هوش فرهنگی، عملکرد تحصیلی و یادگیری آنان را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین با توسعه تفکر انتقادی، رغبت برای یادگیری افزایش می یابد و در نتیجه میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان بیشتر می شود. با توجه به تحلیل داده ها می توان نتیجه گرفت بین هوش فرهنگی، و تفکر انتقادی با یادگیری خود راهبر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی:

هوش فرهنگی-تفکر انتقادی-یادگیری خودراهبر-دانشجویان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1466911>

